

نقش NGO ها (سازمان‌های مردم نهاد) در حقوق بین‌الملل

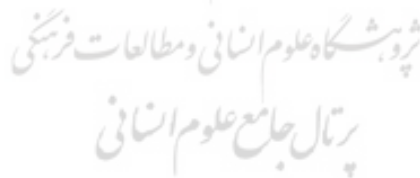
حسن شمسینی غیاثوند^{۱*} - مجید نوروزی خولکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

چکیده:

تعاملات بین مفاهیم جهانی شدن، جامعه مدنی جهانی، حکومت داری و حقوق بین‌الملل مسائل پیچیده‌ای را در مورد ساختارهای زیربنایی حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کند که اگر بخواهند در درک جدید از حاکمیت و حقوق بین‌الملل استفاده شوند، نیاز به بررسی بیشتر دارند. این مقاله حضور و پتانسیل سازمان‌های غیردولتی (NGOs) را در حقوق بین‌الملل و چالشی را که این امر برای درک تثبیت شده حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کند، بررسی می‌کند. این مقاله استدلال می‌کند که در نتیجه، ساختارها و فرآیندهای موجود حقوق بین‌الملل در تلاش هستند تا با تنوع بازیگران جامعه مدنی جهانی که در حال ظهور هستند، سازگار شوند. بر این اساس این مقاله به صورت مروری و با بررسی مقالات و مطالعات مشابه صورت گرفته به بررسی نقش NGO ها در حقوق بین‌الملل پرداخته است و نشان داد که اگرچه سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد توانایی قانونی برای انعقاد معاهدات بین‌المللی ندارند.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های مردم نهاد



JPIR-2112-2025

^۱ - استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران: نویسنده مسئول
shamsini_h@yahoo.com

^۲ - دکتری علوم سیاسی (اندیشه سیاسی)، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

مقدمه

امروزه گفتمان‌های جهانی شدن حاکی از آن است که تأثیر جامعه مدنی جهانی در عرصه حقوق بین‌الملل به تدریج از حاشیه‌ها به سمت مشارکت بیشتر در شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی و عملکرد حقوق بین‌الملل در حال حرکت است. تعداد سازمان‌های غیردولتی یا مردم نهاد قابل مشاهده در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در فرآیندهای سازمان ملل متحد همچنان در حال افزایش است و ساختارهای حقوق بین‌الملل به آرامی برای سازگاری با این پدیده سازگار می‌شوند. با این حال، جامعه مدنی جهانی همچنان یک مفهوم بحث برانگیز در حقوق بین‌الملل است. فرصت‌های متفاوتی که سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در فرآیندهای حاکمیتی حقوق بین‌الملل در سراسر سازمان ملل دارند، تنش‌های موجود در مورد میزان، اهمیت و شایستگی مشارکت این بازیگران در عرصه بین‌المللی و نارسایی ساختارها و فرآیندهای موجود در قوانین بین‌المللی را نشان می‌دهد. (پیرسون، ۲۰۰۴) هیچ توافق عمومی در مورد زمان ظهور سازمان‌های غیر دولتی وجود ندارد. اما به نظر می‌رسد که سازمان‌های غیر دولتی به دلیل ویژگی‌های خود سابقه‌ای نسبتاً طولانی داشته باشند و تاریخ ظهورشان به زمان تشکیل صلیب سرخ جهانی باز می‌گردد. اعضای تشکیل این نوع سازمان‌ها، افراد نوع دوست، گروه‌ها و افراد خیرخواهی هستند که به جوامع کمک و از آنها حمایت می‌کنند و با یاری رساندن به گروه‌های آسیب پذیر از اعمال و رفتار جوامع و دولت‌ها به ترویج و اجرای قوانین در جامعه انسانی کمک می‌کنند. (مانس باخ و رافرتی، ۲۰۰۸)

تعداد سازمان‌های مردم نهاد غیر دولتی از ۳۷ سازمان در سال ۱۹۰۰ به چیزی حدود ۴۴ هزار سازمان در سال ۲۰۰۴ رسیده است. تعداد شرکت‌های چند ملیتی به بیش از ۵۰۰ هزار رسیده است. بر اساس این آمار در سال ۲۰۰۸ بیش از ۸۰ هزار سازمان فراملی و همچنین ۷۹۰ هزار زیر سازمان وابسته به آنها وجود دارد. (باندل، ۲۰۰۹) سازمان‌های مردم نهاد قادر به ایفای نقش مهمی در شکل‌گیری و اجرای قوانین بین‌المللی می‌باشند که از مهم‌ترین نقش‌های این سازمان‌های غیر دولتی آگاهی دادن، آموزش و فرآیند اجتماعی کردن قوانین، همچنین اعمال فشار بر دولت‌ها برای دستیابی به آرمان‌های حقوق بشر، کنترل بحران‌های اجتماعی و هدایت مطالبات و کمک به حذف نقض حقوق بشر و ... است. (مفخم و مومنی

¹-international legal

²-non-governmental organisations (NGOs)

³-Pearson

⁴-Mansbach & Rafferty

⁵-Bonlle

راد، ۱۳۹۹) البته توسعه حضور سازمان‌های غیردولتی در عرصه بین‌الملل، تصویر پیچیده‌تر و چند بعدی از حقوق بین‌الملل را نسبت به پارادایم دولت‌محور ایجاد می‌کند. این توسعه با گسترش تدریجی فراهم شدن شرایط مشارکت سازمان‌های غیردولتی در تدوین و تضمین حقوق بین‌الملل همراه است. (ویرزو و سابتینی، ۲۰۱۴) بر این اساس و با توجه به اینکه امروزه سازمان‌های مردم نهاد به دلیل ماهیت غیرانتفاعی و بدون اجبار خود مورد توجه بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل قرار دارند و می‌توانند در شکل‌گیری و اجرای صحیح قواعد بین‌المللی نقش مهمی را ایفا نمایند، از این‌رو در این مقاله سعی شده است تا نقش سازمان‌های مردم نهاد در حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

مفخم و مومنی‌راد (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آنها در حقوق بشر انجام دادند. در این تحقیق که از نوع توصیفی-تحلیلی بوده است علاوه بر توصیف کارکرد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در کل از بین انواع این سازمان‌ها به طور خاص به بررسی نقش دیده‌بان حقوق بشر پرداخته شده است و هدف از آن این است که نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در نظام حقوق بشر روشن گردد تا با آگاهی از رابطه میان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و حقوق بشر بتوان با بررسی مقام مشورتی و شخصیت حقوقی که این سازمان‌ها دارا هستند به نقش یکی از این مهمترین سازمان‌ها، دیده‌بان حقوق بشر و نقشی که در حقوق بشر ایفا می‌کند پی برد.

گل پرور (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان نقش سازمان‌های مردم نهاد در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان انجام داد و در آن بیان کرد که حوزه فعالیت سازمان‌های مردم نهاد در قوانین کشور ما جنبه حصری داشته که این امر موجب نارضایتی سایر موسسات مردمی نیز گردیده است. با این حال سازمان‌های مردم نهاد یکی از مهمترین بازیگران غیردولتی شمرده می‌شوند که به علت کارکردهای مفیدشان، دولتها مقرراتی در خصوص تاسیس و فعالیت آنها تدوین کرده‌اند. این پژوهش درصدد تبیین موضوع تاسیس و فعالیت این سازمان‌ها در سه نظام حقوقی ایران، فرانسه و انگلستان است. نظارت پیشینی در زمان تاسیس و نظارت پسینی بعد از تاسیس و هنگام فعالیت، جملگی موضوعاتی هستند که در این پژوهش به روش تطبیقی و با مرور منابع کتابخانه‌ای به مقایسه میان سه نظام حقوقی انجام شده است که نتیجه حاصله در نظام حقوقی ایران مقرراتی در زمینه تاسیس و فعالیت این سازمان‌ها وجود دارد که در مقایسه با

نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلستان قدری سختگیرانه است.

شریف شاهی و جلالی (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان نقش سازمان‌های غیر دولتی در توسعه حقوق بین‌الملل انجام دادند. نتایج نشان داد سازمان‌های غیردولتی نقش‌های مکمل نظارت گونه و اجرای برای دولت‌ها و کشورها ایفا می‌کنند به طوری که بدون حضورشان نظام حقوق بشر جهانی سیستمی نقص دار باقی می‌ماند. البته به نظر می‌رسد که با توجه به سیر زمانی و تاریخی این مشارکت مبانی این همکاری بیشتر ناشی از الزامات نظم نوین جهانی و ضرورت‌ها و اهمیت توجه به مساله حقوق بین‌الملل بشری نشأت می‌گیرد.

جورجی (۲۰۱۹) تحقیقی با عنوان نقش سازمان‌های غیردولتی در فرآیند انعقاد معاهدات بین‌المللی انجام داده است. این مقاله با تکیه بر یک چارچوب نظری، توضیحی درباره سازمان‌های غیردولتی و جایگاه آنها در حقوق بین‌الملل ارائه می‌کند تا با تحلیل کنوانسیون حقوق کودک و اساسنامه رم، امکان تأملی در تأثیر آنها بر انعقاد معاهدات بین‌المللی فراهم شود. نتایج نشان داد این سازمان‌های با وجود اینکه توانایی قانونی چندانی برای انعقاد معاهدات بین‌المللی ندارند، اما در روند مذاکرات و انعقاد کنوانسیون و اجرای قوانین بین‌المللی کمک کرده‌اند.

ویرزو و ساباتینی (۲۰۱۴) مقاله‌ای با عنوان نقش سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل نگارش کرده‌اند. در این مقاله می‌خوانیم در سال‌های اخیر شاهد توسعه بی‌سابقه سازمان‌های غیردولتی در سطح بین‌المللی بوده‌ایم. این پدیده به لطف جهانی شدن و فرصت شبکه‌ای بهتر که آگاهی بیشتری نسبت به مشکلات محلی در سطح بین‌المللی ایجاد کرده است، رشد نموده است. به منظور یافتن راه حلی فوری برای مسایل بین‌المللی، همکاری فعالانه‌ای بین فردی و جهانی را گسترش داده است که در آن سازمان‌های غیردولتی نقشی تعیین کننده در حقوق بین‌الملل داشته‌اند. در واقع امروزه سازمان‌های غیردولتی نه تنها در کشورهای توسعه یافته، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز حضور دارند.

پیرسون (۲۰۰۴) تحقیقی با عنوان سازمان‌های غیردولتی و قانون بین‌المللی: ترسیم مکانیسم‌های جدید برای حکومت) انجام داده و در این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تصویر متعارف حقوق بین‌الملل ممکن است با فرآیندی که به دنبال ترسیم نقشه‌ای جایگزین، توصیفی از قلمرو حقوق بین‌الملل است که می‌تواند تنوع زندگی در چشم‌انداز در حال تحول حقوق بین‌الملل را روشن کند، دوباره تصور شود. این مقاله با استدلال برای چالش‌های موجود در نقشه‌های حقوق بین‌الملل، نقاط شروعی را برای نقشه‌نگاری جدید ارائه می‌کند.

¹ - Giorgi

² - Virzo & Sabatini

در این مقاله بر نقش‌های در حال تحول سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل بر مشارکت آنها در انتشار دانش تاکید شده است و نشان می‌دهد که شبکه‌های متنوعی از بازیگران جهانی جامعه مدنی از طریق سازمان‌های مردم نهاد برای رقابت و بازسازی ساختارهای سنتی حقوق بین‌الملل و تسهیل تنوع و گفت‌وگوی لازم میان همه بازیگران دخیل در حاکمیت بین‌المللی ایجاد گردیده است.

روش پژوهش

هدف اصلی این مقاله بررسی نقش NGO ها (سازمان‌های مردم نهاد) در حقوق بین‌الملل می‌باشد که در آن به بیان ادبیات نظری مرتبط با حقوق بین‌الملل، سازمان‌های مردم نهاد و نقش این سازمان‌ها در حقوق و قواعد بین‌الملل پرداخته شده است. این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و روش این مقاله به صورت مرورری بوده است که با مرور تحقیقات و مطالعات انجام شده در این ارتباط به بررسی موضوع مورد نظر پرداخته است. در این مقاله از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه ادبیات و پیشینه تحقیق استفاده گردیده و با مطالعه دقیق کتب، آثار و مقالات مرتبط با موضوع که توسط سایر محققین صورت گرفته و همچنین جستجو در اینترنت، اطلاعات مورد نظر، جمع‌آوری و جمع‌بندی گردید.

حقوق بین‌الملل^۱

جهانی‌سازی قانون به عنوان بخشی خاص از فرآیندی بین‌المللی کردن حقوق و قوانین اشاره دارد که منجر به هماهنگ‌سازی و هماهنگی قوانین، مفاهیم و نهادهای قانونی خاص در سطوح داخلی و بین‌المللی شده است. البته این فرآیند همه سرزمین‌ها و یا کشورها را به طور یکسان پوشش نمی‌دهد، بلکه مفاهیم اساسی برای سیستم‌های قانونی داخلی و بین‌المللی دارد. ماموریت جهانی حقوق بین‌الملل، که از آثار نویسندگانی چون کلسن و کانت سرچشمه می‌گیرد، جدید نیست. قانون جدید بین‌المللی با فرسایش دیوار حاکمیت دولت، اراده کشور را به قانون‌گذاری در قلمرو داخلی و بین‌المللی به چالش کشیده است. (کمالی و همکاران، ۱۳۹۵) از نقطه نظر بین‌المللی، با ظهور بحران‌ها و چالش‌های عظیم در زمینه‌های مختلف از یک سو و بی‌میلی یا ناتوانی دولت‌های محلی برای حل این مشکلات با مکانیسم‌های موجود داخلی در طرف دیگر، نیاز به ایجاد و توسعه حاکمیت جهانی که منافع متقابل بشر را در نظر می‌گیرد، لزوم تدوین قواعد بین‌المللی ضرورت یافت. (عباسی و کیانی، ۱۳۹۱)

فرانک‌اندیشمند پرکار و برجسته حقوق بین‌الملل بر این اعتقاد اساسی بوده است که

^۱-International law

حقوق بین‌الملل، یعنی آنچه محاکم قضایی بین‌المللی و دادگاه‌های بین‌المللی ارائه می‌کنند. فرانک در سال‌های پایانی تحقیقات خود مراحل پس از هستی‌شناسی حقوق بین‌الملل را ارائه نموده است. دغدغه اصلی وی در این دهه پاسخ به این سوال بوده که آیا حقوق بین‌الملل، حقوقی موثر و قابل اجرا و همچنین از روی انصاف است. (امینی، ۱۳۸۹)

حقوق بین‌الملل شاخه‌ای از علم حقوق است که شامل قواعد حاکم بر روابط افراد، سازمان‌ها و دولت‌هایی است که دارای حداقل یک عنصر خارجی و بین‌المللی باشند. حقوق بین‌المللی از سیستم‌های قانونی دولتی متفاوت است که در وهله نخست برای کشورها و نه به شهروندان خصوصی اجرا می‌شود. حقوق بین‌الملل موضوعات متنوعی را موضوع کار خود قرار داده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به: حقوق بشر بین‌المللی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، حقوق بین‌الملل اقتصادی، حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات بین‌المللی، حقوق معاهدات، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، حقوق دریاها، حقوق بین‌الملل کیفری و ... اشاره نمود. (حقوق بین‌الملل، ۲۰۱۱)

دو دسته از قوانین بین‌المللی وجود دارد: مقوله اول، بالا به پایین که با توافق کشورها به شکل معاهدات بین‌المللی ایجاد می‌شود و سپس در مورد موضوعات آن الزام‌آور است و آن را در قوانین داخلی شامل می‌شود. مقوله دوم پایین به بالا، رفتارها و هنجارهای رایج بین تعدادی از فعالان دولتی و حتی غیردولتی می‌باشد، که به قوانین عرف بین‌المللی تبدیل می‌شوند و برای کشورها و حکومت‌ها با شرایط مشابه قابل اجرا می‌باشد. البته طبقه دوم معمولاً در رشته‌های نرم عملی است و به عنوان قانون نرم در برابر قانون سخت شناخته می‌شود و به طور کلی در شکل قراردادهای زبانی است که پس از مدتی و با نهادینه‌سازی مکانیسم‌های اجرایی، به‌خصوص در زمینه‌های تجاری و مالی، تبدیل به یک قانون می‌گردد. (عباسی و کیانی، ۱۳۹۱)

در عرصه جهانی، یک تمدن واحد در مقابل فضاهای فرهنگی و سیاسی گوناگون قرار دارد و مساله رابطه بین یک جامعه و فضاهای متعدد ایجاد شده است. فرموله کردن قانونی چنین ترکیبی، جامعه بین‌المللی است که وجود عینی را در حوزه ملت‌ها دنبال می‌کند. بدون اصول راهنمای نهاد وحدت جامعه بین‌المللی، هرگز به دست نخواهد آمد. از آنجا که حکومت قانون اصول راهنما است، هدف اتحاد و اقدامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بشردوستانه است. قانون بین‌المللی، قانون جامعه بین‌المللی است که از ارزش متعالی برآورده کردن نیازهای اعضای آن و تحقق منافع مشترک الهام گرفته است. ماموریت اصلی حقوق بین‌المللی متحد

کردن اعضای جامعه بین‌المللی در چارچوب خیرهای جهانی مشترک متصل به ارزش متعالی انسانیت است. بنابراین، قانون بین‌المللی، مانند هر نظام دیگری از ضرورت، اساس طبیعی داشته و به شکل قانون به عنوان یک چارچوبی که اساس عدالت طبیعی را تشکیل می‌دهد، تعریف می‌شود. ظهور قوانین بین‌المللی منجر به ایجاد تعهداتی در جامعه بین‌المللی شده است که اجرای آن دیگر تابع شرایط مبادله نیست. در چنین وضعیتی، یک رابطه منطقی بین قوانین حقوق بشر و منافع قانونی مرتبط با کاربرد آنها در یک سیستم قانونی سازمان‌یافته برقرار می‌شود. (نیکخواه سرنقی، ۱۳۹۱)

سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های غیردولتی بازیگرانی هستند که فعالیت‌های خود را مستقل از دولت توسعه می‌دهند و می‌توانند افکار عمومی را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهند. آنها به طور فزاینده‌ای زمینه فعالیت خود از جمله شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی مختلف را گسترش داده‌اند. اساساً مشخصه آنها مستقل بودن از دولت (یا حداقل در حالت ایده‌آل بودن) نبودن سود و در بیشتر موارد با تعقیب اهداف کاملاً تعریف شده برای مثال، محیط‌زیست و سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشر. (جورجی، ۲۰۱۹)

سازمان‌های مردم نهاد گروهی ناهمگن است که افراد عضو آن با انگیزه‌ها و آرمان مشترک گرد هم می‌آیند و فعالیت‌های خود را در قالب این نهاد مردمی طرح ریزی می‌نمایند. هدفشان بطور عمومی انجام دادن کارهای خیر، ارائه خدمات گروهی، مشارکت در کارها، نفوذ و تقویت روند و جریان‌های موجود می‌باشد. این سازمان‌ها از نقطه نظر سطوح مشارکت و فعالیتشان به سه طبقه محلی، ملی و فراملی تقسیم می‌گردند. (یزدان فام، ۱۳۹۰)

دولت‌ها به طور سنتی بازیگران اصلی و دارندگان قدرت در اجرا قوانین داخلی و بین‌المللی بوده‌اند. اما در طول قرن ۲۰، همراه با دولت‌ها، بازیگران نوینی در سطوح داخلی و بین‌المللی نمایان شدند که از نظر طبیعی با حکومت‌ها متفاوت بودند. سازمان‌های بین‌المللی دولتی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چند ملیتی و حتی گروهک‌های تروریستی نمونه‌هایی بارز از موسسات بین‌المللی جدید هستند. این سازمان‌ها نماینده کشور و حکومت نبوده و در سطوح فراملی، ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کنند. در قرن ۲۱ نیز نهاد دولت نقش مهمی در شکل‌گیری و روند اجرای مسائل ایفا نمی‌کند، بلکه موسسات را در سطوح فراملی و ملی متعهد به تقویت، حمایت از کشور یا ایجاد چالش‌ها و تهدیدات برای دولت‌ها انجام می‌دهد. سازمان‌های غیر دولتی (ان جی اوها) یکی از این سازمان‌ها می‌باشند. (خداوردی، ۱۳۹۸)

اصطلاح "سازمان غیردولتی" برای اولین بار در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در ماده ۷۱ منشور ملل متحد استفاده شد. علیرغم عدم وجود تعریف مشترک در مورد آن در سطح بین‌المللی، دایره-المعارف حقوق بین‌الملل عمومی سازمان‌های غیردولتی را سازمانی خصوصی تعریف می‌کند که «به‌وسیله یک دولت یا توافق‌نامه بین‌دولتی تأسیس نشده و به واسطه فعالیت‌های خود قادر به ایفای نقش در امور بین‌المللی هستند. اعضای آن از حق رای مستقل برخوردارند. (ویروزو و سابتینی، ۲۰۱۴) به تدریج، تعریف نهادهای بین‌المللی در مورد این سازمان‌ها کامل‌تر و فراتر رفت و به این شرح تعریف شد: سازمان غیردولتی بین‌المللی سازمانی است که توسط بخش خصوصی یا مشترک و با بخش دولتی و خارج از هر گونه قرارداد بین دولتی ایجاد می‌شود که در آن اشخاص خصوصی و اشخاص قانونی ملیت‌های مختلف گرد هم می‌آیند. (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰)

سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد موسوم به NGOs از افرادی تشکیل شده‌اند که داوطلبانه و بدون وابستگی به کشورها، حکومت‌ها و در یک جهت غیر انتفاعی و برای اهداف مختلف فرهنگی، اجتماعی، خیریه، زیست‌محیطی و مشابه کار می‌کنند. هدف از این سازمان‌ها، کمک به بهبود وضعیت جامعه و حفاظت از منافع ملی و منافع عمومی کشور. جوامع است. براساس گزارش سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی (ان جی اوها) باید چهار ویژگی اصلی داشته باشند: آزاد بودن از وابستگی مستقیم با هر دولت، عاری از وابستگی سیاسی و احزاب، غیرانتفاعی بودن بوده و در فعالیت‌های اقتصادی دخالت نداشته باشد و از فعالیت‌های خشونت-آمیز پرهیز کنند و مرتبط با گروه‌های جنایتکار نباشند. با تکامل حقوق بشر، نقش موثر و رو به رشد سازمان‌های غیردولتی قابل توجه است. امروزه این سازمان‌ها به یک بازیگر قدرتمند در عرصه ملی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند. (مفخم و مومنی راد، ۱۳۹۹)

با توجه به جنبه‌های غیردولتی سازمان‌های مردم نهاد، این سازمان‌ها به اهداف خود برای کاهش رنج مردم و به دست آوردن منافع عمومی، حمایت از افراد ضعیف تر جامعه، مانند فقرا و کارگران، حمایت از مسایل محیط زیستی، ارائه کمک فنی، علمی و تحقیقاتی بین کشورها و غیره دست می‌یابند. دو ویژگی مشخص در خصوص سازمان‌های مردم نهاد غیردولتی عبارتند از: غیر انتفاعی بودن و داوطلبانه بودن عضویت در آنها که هم در حقوق داخلی کشورها و هم در حقوق بین‌الملل به این دو ویژگی در خصوص سازمان‌های مردم نهاد تأکید گردیده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰)

سازمان‌های مردم نهاد و حقوق بین‌الملل

موضوع مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد در امور بین‌الملل موضوع تازه‌ای

نیست و تاریخچه آن به قرن هجدهم بازمی‌گردد، زمانی که بسیاری از این سازمان‌ها در توسعه و تدوین قوانین بین‌المللی و در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و... تلاش وزیده‌اند. از مهم‌ترین اقدامات این سازمان‌ها در پیشینه تاریخی، حساس کردن دولت‌ها به قوانین یا رویه‌های آن زمان در مورد موضوعاتی مانند حذف برده‌داری، حق کارگران، نقش‌های اجتماعی زنان و لزوم رسیدگی به این مسائل بود. (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰)

این سازمان‌ها به عنوان بخشی از جامعه مدتی مشارکتی گسترده و فعالی در زمینه‌های حقوق بشری در حدود دو قرن گذشته داشته‌اند. در این راستا تشکیل سازمان‌ها و انجام فعالیت‌های زیر می‌تواند به خوبی نحوه مشارکت این سازمان‌ها را در امور بین‌المللی حتی قبل از وجود سازمان ملل متحد را آشکار نماید. (شریف شاهی و جلالی، ۱۳۹۱)

انجمن ضد برده‌داری- اتحادیه‌های کارگری- سازمان بین‌المللی کار^۱ فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر^۲

سازمان‌های غیر دولتی جامعه مدنی (نهادهای دانشگاهی و گروه‌های شهروندی)

همچنین سازمان‌های غیردولتی سابقه طولانی مشارکت با قوانین بین‌المللی و توسعه سیاست داشته‌اند. علاوه بر طول عمر حضور سازمان‌های غیر دولتی در عرصه بین‌المللی، تعداد سازمان‌های غیر دولتی در طول ۵۰ سال گذشته به طور چشمگیری افزایش یافته است و به ویژه در دهه گذشته. در حالی که سازمان‌های غیر دولتی در سطح بین‌المللی فعال هستند در زمینه‌های زیست‌محیطی و حقوق بشر فعال‌تر هستند، به ویژه، سازمان‌های غیردولتی در تهیه کنوانسیون‌های بسیاری مانند کنوانسیون ممنوعیت استفاده، انبار کردن، تولید و انتقال مین-های ضد نفر و انهدام آنها، کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های در خطر انقراض و تأسیس، گنجانده شده‌اند. فعالیت‌های ان جی اوها تقریباً هر حوزه از نگرانی‌های بین‌المللی را پوشش می‌دهد و آنها بطور گسترده در سیستم سازمان ملل فعالیت می‌کنند. گروه‌هایی که تحت عنوان چتر NGO دسته‌بندی می‌شوند طیف وسیعی از فعالیت‌ها، ساختارها، انگیزه‌ها، موقعیت جغرافیایی و منابع مالی را نشان می‌دهند. (اوتاوی، ۲۰۰۱)

مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در قوانین بین‌المللی با بحث‌های مجادله‌ای در مورد مشروعیت نقش این سازمان‌های غیردولتی در حاکمیت عرصه بین‌الملل مشخص می‌شود و فقدان اجماع در قوانین بین‌المللی درباره منافع این پدیده در حال تحول باقی می‌ماند. این

¹-International labor Organization

²- International federation for Human Rights

³-Ottaway

مجادلات تا حدی به دلیل عدم درک کامل از نقش در حال تحول بازیگران جامعه مدنی جهانی در حقوق بین‌الملل است. اختلاف قابل توجه در مورد اهمیت و مطلوبیت دخالت این سازمان‌ها در حقوق بین‌الملل نیز به این دلیل به وجود می‌آید که حضور در حال ظهور جامعه مدنی جهانی با رویکرد سنتی دولت‌محور به حقوق بین‌الملل در تضاد است. بنابراین، گفتمان‌های جهانی‌سازی که تأثیر بازیگران جامعه مدنی جهانی بر فرآیندهای حقوق بین‌الملل را مورد بحث قرار می‌دهند، ممکن است به طور کامل ماهیت عمیق و عمیق چشم‌انداز حقوقی بین‌المللی مبتنی بر دولت را درک نکنند. حقوق بین‌الملل مبتنی بر مفروضات سنتی دولت‌محور، مبنای کافی برای درک نقش‌های نوظهور بازیگران جامعه مدنی جهانی در ساختارها و فرآیندهای حقوق بین‌الملل معاصر فراهم نمی‌کند. این امر نشان می‌دهد که کاوش در این موضوعات نیز نیازمند تحلیل کاملتری است که ساختارها و مرزهای حقوق بین‌الملل را بررسی می‌کند و مسائل حقوقی را به‌عنوان مکانیزم حاکمیت برای یک جامعه بین‌المللی متنوع در نظر می‌گیرد. سازمان‌های غیردولتی در شناسایی قوانین حقوقی نیز نقش داشته‌اند. بسیاری از قوانین حقوق تجارت بین‌المللی زیر نظر اعضای اتاق بازرگانی بین‌المللی به عنوان یک سازمان غیردولتی و انجمن تجار جهان که به دنبال تدوین قوانین یکنواخت برای تجارت بین‌المللی بدون دخالت دولت هستند، تدوین شده است. (سماواتی، ۱۳۸۹)

به علاوه، در زمینه حقوق بشر به عنوان یکی از عناصر مهم و اساسی فرآیند بین‌المللی حقوق، سازمان‌های غیردولتی بسیاری وجود دارند که فعالیت اصلی آنها بر اجرا و تضمین رعایت قواعد حقوق بشر متمرکز است. با این حال، نقش و فعالیت‌های این سازمان‌ها در توسعه قواعد بین‌المللی را نمی‌توان انکار کرد. به عنوان مثال، این سازمان‌های غیردولتی از حقوق زیست‌محیطی حمایت می‌کند و در سال ۱۹۹۴ میلادی خواستار نظرسنجی مشورتی سازمان بهداشت جهانی در مورد استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز شدند. این سازمان‌ها همچنین نقش مهمی در پیش‌نویس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ایفا کردند. (کمالی و همکاران، ۱۳۹۵)

اگر بخواهیم درک کنیم که مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل چگونه ممکن است در حال تغییر باشد، لازم است روشی را که نظریه‌های سنتی حقوق بین‌الملل مرزهای دخالت بازیگران دولتی و فراملی را تعیین می‌کنند، تحلیل کنیم. (تالر و همکاران، ۲۰۰۱)

«نقشه‌های» سنتی حقوق بین‌الملل همانطور که در تفاسیر کلیدی حقوق بین‌الملل مشخص شده است، دولت‌ها را به‌عنوان ویژگی‌های کلیدی چشم‌انداز حقوقی بین‌المللی برجسته می‌کند و توضیح می‌دهد که حقوق بین‌الملل قانونی است که توسط دولت‌ها برای تنظیم روابط

بین دولت‌ها وضع می‌شود. دولت‌ها واحدهای اساسی نظام حقوقی و سیاسی بین‌المللی هستند و یک جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. دولت‌ها برای منابع حقوق بین‌الملل، هم از نظر رضایت دولت‌ها با موافقت نامه‌های بین‌المللی و هم از لحاظ عرف ایجاد شده توسط رویه دولت‌ها، محوریت دارند. این تفاسیر همچنین تأکید می‌کند که دولت‌ها موضوع اصلی حقوق بین‌الملل هستند تمرکز بر دولت‌ها در نحوه حاکمیت حقوق بین‌الملل بر مرزها و تقسیم قلمرو بر اساس حاکمیت دولت‌ها نیز آشکار است. بنابراین، دولت‌ها مرزها، ساختارها و فرآیندها، محتوا و بازیگران عرصه بین‌المللی را کنترل می‌کنند و سیستم حاصل دولت محور و سلسله مراتبی است. (پیرسون، ۲۰۰۴)

از آنجایی که امروزه نفوذ سازمان‌های غیردولتی در فرآیندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی به یک واقعیت ثابت تبدیل شده است، مطالعات در حال حاضر نشان می‌دهند که موضوع این نیست که چگونه باید مشارکت سازمان‌های غیردولتی را مدیریت کرد. برای این منظور، ضروری است که وضعیت سنتی غیر قانونی سازمان‌های غیردولتی بازتعریف شود و دستور-العمل‌های جدیدی برای بهبود همکاری بین سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌دولتی ایجاد شود. (ویرزو و سابتینی، ۲۰۱۴)

نتیجه‌گیری

رابطه بین سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل یک تحول مداوم است و به همین دلیل مشکلات متعددی را ایجاد می‌کند. در آغاز قرن بیست و یکم تغییرات آهسته قوانین بین‌المللی تحت تأثیر حاکمیت جهانی آغاز شده است. امروزه حضور و نقش سازمان‌های غیر دولتی در نظام بین‌المللی به گونه‌ای است که این سازمان‌ها به عنوان عناصر موثر و غیرقابل انکار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد در نظام حقوق بین‌المللی شناخته می‌شوند. تضمین مشارکت سازمان‌های غیردولتی بر پایه‌های تاریخی و رشد تدریجی آنها در راستای تکامل نظام بین‌المللی در طول دو قرن گذشته در حالی که تقویت توسعه نظام بین‌المللی و اجزای آن و عناصر آن در روابط مستمر و پویا، می‌تواند به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام جهانی حقوق بین‌الملل در نظر گرفته شود. (چارنویتز، ۲۰۰۶) ظهور سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد به ایجاد نظام هنجاری، استانداردسازی و نظارت بر عملکرد دولت‌ها یاری رسانده است که در واقع به دلیل ناتوانی حکومت‌ها برای ورود به این مناطق ظهور کرده است. البته، این امر منجر به فزونی در موسسات و قوانین بین‌المللی شده است که مستلزم ایجاد یک

¹- Charnovitz

نظام حقوقی بین‌المللی است. ظهور سازمان‌های غیردولتی مرم نهاد یکی از دلایل نیاز به تغییر در روند قانون‌گذاری در قوانین بین‌المللی است، زیرا دولت‌های ملی دیگر تنها تاثیرگذاران اصلی در سیاست‌های بین‌المللی نیستند. (دستمالچی، ۱۳۸۶)

امروزه مشارکت سازمان‌های مردم نهاد به عنوان یکی از عوامل حسن اداره هر کشوری در حوزه‌های فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی به شمار میرود. مشارکت مذکور در نظام حقوقی ایران می‌تواند در کارآمدی و ایجاد اعتماد عمومی نقش برجسته‌ای ایفا کند زیرا این سازمان‌ها به عنوان بستری جهت جلب و هدایت مشارکت‌های جامعه و نیز منشاء نهادینه ساختن این مشارکت‌ها، سهم بزرگی در حوزه توسعه و ارتقاء حقوق بین‌المللی نیز خواهد داشت. (گل پرور، ۱۳۹۷)

برخی از مفسران به عنوان یک روش مفید برای افزایش سطح مشارکت فعالان جامعه مدنی جهانی در قوانین بین‌المللی از چارچوب‌های رسمی برای پیوستن سازمان‌های غیردولتی به قانون بین‌المللی استفاده می‌کنند. گزارش فزاینده‌ای در این راستا وجود دارد مبنی بر اینکه ادغام رسمی سازمان‌های غیر دولتی به ساختارها و فرایندهای حقوق بین‌الملل سودمند خواهد بود و از اهداف جامعه بین‌المللی حمایت می‌کند و به پاسخگویی به نظام حقوقی بین‌المللی از طریق مشارکت آنها در سازمان‌های بین‌المللی و ترویج صلح و ثبات بین‌المللی کمک می‌کند که ایجاد یک چارچوب بین‌المللی که شامل نقشه‌ای برای سازمان‌های غیردولتی است، موقعیت خود در قانون بین‌الملل را با اطمینان از وضعیت آنها در نظام مستقل از کشورها تقویت می‌کند. ایجاد یک چارچوب بین‌المللی برای گنجانیدن سازمان‌های غیردولتی ممکن است مکانیزمی برای نظارت بر فعالیت‌ها و نفوذ آنها، ترویج مسئولیت‌پذیری و شفافیت در میان سازمان‌های غیر دولتی و در سیستم بین‌المللی فراهم کند.

باید گفت که امروزه سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در سناریوهای جهانی ایفا کرده‌اند. رشد تعداد سازمان‌های غیردولتی نشان می‌دهد که اهمیت، نفوذ، نمایندگی و مشارکت آنها در جامعه بین‌المللی ضروری است زیرا می‌توانند بین دولت‌ها و جامعه پیوند برقرار کنند. آنها با اعمال و عملکرد خود می‌توانند خلأهای دولت مدرن را در بازنمایی آرمان‌های جامعه پر کنند. (جورجی، ۲۰۱۹) البته مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل لزوماً مثبت نیست. یقیناً نیاز به مدیریت تنوع عرصه بین‌المللی به گونه‌ای وجود دارد که این انسجام را تشویق کند و از هرج و مرج و از دست دادن دیدگاه در میان ناهنجارهای احتمالی جلوگیری کند. از این‌رو سازمان‌های غیردولتی در تقویت نقش‌های خود در قوانین بین‌المللی و حاکمیت با مشکلات خاصی روبرو هستند. اکثر استدلال‌هایی که مشارکت سازمان‌های غیردولتی در نظام

بین‌الملل را به چالش می‌کشند بر اعتبار و کفایت نمایندگی آنها از جامعه مدنی جهانی و در نتیجه مشروعیت آنها به عنوان شرکت کنندگان در یک جامعه بین‌المللی مبتنی بر دموکراتیک متمرکز است. پرسش‌هایی به ناچار در مورد اینکه این گروه‌ها واقعاً چقدر جامعه مدنی جهانی و یک جامعه گسترده‌تر را با چالش‌هایی برای فرآیندهای داخلی سازمان‌های غیردولتی، شفافیت و برابری، و انگیزه‌ها و وظایف آنها نمایندگی می‌کنند، مطرح شده است. واضح است که تفاوت‌های مهمی بین سازمان‌های غیردولتی وجود دارد. ماهیت متنوع جامعه مدنی جهانی در بسیاری از گروه‌های مختلف حاضر در عرصه بین‌المللی منعکس شده است. بنابراین، یک نمایش واحد از آنچه جامعه مدنی جهانی برای آن مطرح است، نادرست است. در نهایت باید توجه داشت که سازمان‌های مردم نهاد هرگز از گزند مداخله حکومت‌ها و خارج گردیدن از بی‌طرفی در امان نمی‌باشند. عناصری از جمله وابستگی مالی به یک کشور یا ایده مشترک با یک حکومت، انتشار اطلاعات غلط و اتهامات نادرست، اقدامات مطابق با سیاست‌های یک دولت در برابر یک دولت دیگر و غیره، همه عواملی هستند که تمامیت و صحت کارکرد بی‌طرفانه یک سازمان غیردولتی را تحت شعاع قرار می‌دهد. علاوه بر این، جالب است که توجه کنیم که اغلب سازمان‌های غیردولتی معیارها خود را برای تعیین دامنه فعالیت‌های خود تعیین می‌کنند و هیچ سازمان یا نهاد مستقلی برای نظارت بر اجرای آنها در نظر نمی‌گیرند. این امر برای این سازمان‌ها این امکان را فراهم می‌کند تا اصولی را که تنظیم کرده‌اند نقض کنند. این عوامل باعث شده است که در عرصه بین‌المللی نسبت به مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های این سازمان‌ها شک کنند.

در نهایت باید گفت بررسی موضوع نشان داد که سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد با توجه به جایگاه برجسته‌ای که در سطح بین‌المللی به دست آورده‌اند، نه تنها می‌توانند اقدامات خود را منتشر کنند، بلکه می‌توانند پروژه‌هایی را پیشنهاد دهند و افکار عمومی را متقاعد کنند که دلایلی که از آنها دفاع می‌کنند مهم هستند و مستحق حمایت هستند. بنابراین، سازمان‌های غیر-دولتی حامیانی را در سراسر جهان به دست آورده‌اند در حالی که انحرافات از قوانین را که توسط دولت‌ها، شرکت‌های فراملی یا هر عامل دیگری انجام می‌شود محکوم می‌کنند و جایگاه خود را به عنوان نمایندگان جامعه مدنی تثبیت می‌کنند.

منابع فارسی

کتاب

- ساندز، فیلیپ (۱۳۸۶)، *دنیای بی قانون؛ امریکا قانون‌گذاری جهانی و قانون شکنی*، ترجمه اصغر دستمالچی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۸۹)، *حقوق تجارت بین‌الملل*، تهران: ققنوس
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۰)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: گنج دانش
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۰)، *دولت‌های شکننده و امنیت انسانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

- خداوردی، حسن (۱۳۹۸)، *جایگاه و نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه امنیت انسانی*، سیاست جهانی، دوره ۷، شماره ۴
- محمد شریف شاهی، محمود جلالی (۱۳۹۶)، *نقش سازمان‌های غیر دولتی در توسعه حقوق بین‌الملل*، پژوهش‌ها حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۲
- مجید عباسی، علی کیانی (۱۳۹۱)، *حکمرانی جهانی و حقوق جهانی؛ گذار از حقوق بین‌الملل دولت محور در عصر جهانی شدن*، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۹
- محبوبه کمالی، مهران عبدلی و الناز بایتان (۱۳۹۵)، *جایگاه حقوق بین‌الملل در عرصه جهانی شدن*، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علم و تکنولوژی، روسیه، سن پترزبورگ.
- گل‌پرور مشهدی، عاطفه (۱۳۹۷)، *نقش سازمان‌های مردم نهاد در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان*، دومین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران با تمرکز بر چالش‌های نیکوکاری در ایران امروز)، تهران
- نگار مفخم، احمد مومنی‌راد (۱۳۹۹)، *سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آنها در حقوق بشر*، فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق، شماره ۴
- نیکخواه سرنقی، رضا (۱۳۹۱)، *ضرورت‌های وحدت در حقوق بین‌الملل*، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آئینه علوم روز، جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان غربی

English Resources

Book

- Pearson, z. (2004). *Non-Governmental Organisations and International Law: Mapping New Mechanisms for Governance*. Brill, The Australian Year Book of International Law Online.

Article

- Charnovitz S (2006), **Nongovernmental Organizations and International Law**, the American Journal of International Law, Vol. 100, No. 2
- Giorgi, Maiara (2019), **The Role of Non-Governmental Organizations in the Process of International Treaty Making**, Anu. Mex. Der. Inter vol.19

Document

- Bonlle, Laurance (2009), **The law of Globalization**, Netherland, Kluwar law International
- international law (2011), Houghton Mifflin Company. Retrieved 13 September

